

حج میقاتی ← حج بلدی

حج ناتمام: حج یا عمره پایان نیافته

در فقه اسلامی در موارد متعددی حج، ناتمام دانسته شده است. در منابع روایی و فقهی، از ناتمام ماندن حج، بیشتر با تعبیری چون: نقصان حج،^۱ بطلان حج^۲، فوات حج^۳، فساد حج^۴ و قضای حج^۵ یاد شده است. همچنین از اصطلاحات مرتبط با حج ناتمام، اصطلاح احصار (ناتمام ماندن حج به علت بیماری) و اصطلاح صدّ (ناتمام ماندن حج به علت جلوگیری دشمن) است (← احصار و صدّ^۶).

ناتمام ماندن حج، گاه به لحاظ فقهی و به معنای فساد و بطلان حج است که در مواردی مستلزم قضاست و گاه به لحاظ معنوی و به معنای ثواب کمتر و عدم کمال حج است که

۱. تہذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۵؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۷۵؛ براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱.
۲. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۳۹۶؛ ج ۱۵، ص ۱۶۶؛ ج ۱۶، ص ۱۶۵؛ ص ۴۵۴-۴۵۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۱، ۲۶۶.
۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۷۵-۴۷۶؛ مسالک الافہام، ج ۲، ص ۲۷۷، ۲۸۸، ۲۸۹-۲۸۸، ۴۹۴-۴۹۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۴۲، ۸۶-۸۹، ۳۷۴؛ ج ۲۰، ص ۱۱۵، ۴۴۸.
۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۹-۳۸۰؛ المبسوط فی فقه الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۲؛ ج ۸، ص ۴۰۶-۴۰۸.
۵. الدروس الشرعیہ، ج ۱، ص ۴۸۲؛ کشف اللثام، ج ۹، ص ۱۰۲.

قضا لازم ندارد.

از مهم ترین مصادیق حج یا عمره ناتمام در تاریخ، می توان به ماجرای خدیبیه در سال ششم هجری اشاره کرد که در آن عمره پیامبر ﷺ و مسلمانان، به دلیل جلوگیری مشرکان مکه، ناتمام ماند و آن حضرت در حدیبیه، با انجام قربانی، از احرام خارج شد و سال بعد عمره دیگری مشهور به «عمره القضاء» به جا آوردند.^۷ در همین ماجرا بود که آیه ۱۹۶ بقره ۲ نازل شد و وظیفه مسلمانان را در صورت ناتمام ماندن حج، مشخص کرد:^۸ ﴿...فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ...﴾ «اگر [به علت موانعی از اتمام حج] بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید]». (← عمره القضاء)

علاوه بر ماجرای حدیبیه، در مواردی حج یا عمره برخی امامان علیهم السلام نیز ناتمام مانده است؛ از جمله عمره امام حسین علیہ السلام در زمان حیات امام علی علیہ السلام به سبب بیماری، به پایان نرسید و ایشان با نحر شتر و حلق، از احرام خارج شده و پس از بهبودی، عمره دیگری به جا آوردند.^۹

۶. المغازی، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۷۵؛ السیرة النبویہ، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۴-۵۵.
۷. الأم، ج ۲، ص ۱۷۳؛ جامع البیان، ج ۲، ص ۱۲۲؛ السنن الصغیر، ج ۲، ص ۲۰۷.
۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹-۳۷۰؛ تہذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۴. تعطیلی حج به سبب فتنه بنی هلال و کشتار حجاج توسط آنان در سال ۳۶۳ق.^۶
۵. اختلاف حاکمان در سال ۴۸۷ق. که موجب تعطیلی حج گردید.^۷
۶. ناتوانی حج گزاران از ورود به مکه و ادای طواف و سعی به سبب درگیری میان امیر الحجاج و امیر مکه در سال ۵۵۷ و ۵۵۸ق.^۸
۷. اختلال در سفر حج به سبب تسلط مغولان در سال‌های ۶۵۶ تا ۶۶۵ق.^۹
۸. ناتمام ماندن حج به سبب آشوب و قتل و غارت در مکه و عرفات، در سال‌های ۶۸۹ و ۶۹۸ق.^{۱۰}
۹. آشوب و درگیری در منا، میان مصریان و حجازیان، در سال ۷۰۵ق.^{۱۱}
۱۰. اخلال در ادای برخی مناسک به سبب نزاع میان امیر الحجاج مصری و اشراف در عرفات، در سال ۷۴۳ق.^{۱۲}
۱۱. کشتار و غارت حجاج در روز هشتم و

همچنین آن حضرت در بعد از ظهر روز هشتم ذی‌حجه سال ۶۰ قمری، پس از یک اقامت چهارماهه در مکه و در حالی که حجاج همگی به سوی منا در حرکت بودند، احرام خود را تبدیل به عمره مفرده کرده، پس از طواف، و سعی و تقصیر، از احرام خارج شده، مکه را به قصد اصلاح دین و امر به معروف و نهی از منکر ترک نموده، و به سمت عراق حرکت کرد.^۱

همچنین در منابع تاریخی، موارد متعددی از ناتمام ماندن حج به اسباب مختلف گزارش شده است؛^۲ از جمله:

۱. ناتمام ماندن حج برخی به سبب جلوگیری عبدالله بن زبیر از طواف و سعی و محاصره مکه توسط حجاج بن یوسف در سال ۷۲ق.^۳
۲. تعطیلی حج از منطقه عراق به سبب فتنه و ممانعت قرامطه در سال‌های ۳۱۲، ۳۱۳ق. تا ۳۱۶ق.^۴

۶. المنتظم، ج ۱۴، ص ۲۱۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۶۴۷؛ البداية و النهايه، ج ۱۱، ص ۲۷۷.
 ۷. البداية و النهايه، ج ۱۲، ص ۱۴۷؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۷۵.
 ۸. المنتظم، ج ۱۸، ص ۱۵۲، ۱۵۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۲۸۸-۲۸۷؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۳۵-۳۶.
 ۹. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۹.
 ۱۰. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۹۰-۲۹۲.
 ۱۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۹۳.
 ۱۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۹۸.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۶۶-۶۷؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۸۱-۳۸۳.
 ۲. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵۰؛ ج ۱۱، ص ۲۸۸-۲۸۷؛ نک: شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۱۳.
 ۳. أنساب الأشراف، ج ۷، ص ۱۱۹؛ تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۱۷۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵۰.
 ۴. تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۱۰۷؛ تجارب الأمم، ج ۵، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۲۸.
 ۵. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۶۱؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۷۴؛ شذرات الذهب، ج ۴، ص ۷۰، ۷۶.

نهم ذیحجه سال ۷۹۷ق.^۱

۱۲. آشوب و قتل و غارت در مسجدالحرام و منا در سال ۸۱۷ق.^۲

۱۳. ناتوانی حجاج از عزیمت به حج و ناتوانی ساکنان مکه از وقوف در عرفات، به سبب تصرف مکه توسط وهابیان در سال ۱۲۱۹ق.^۳

۱۴. ناتمام ماندن حج گروهی از ایرانیان پس از احرام در مسجد شجره، در نیمه قرن ۱۴ق.^۴

۱۵. ناتمام ماندن حج به سبب بسته شدن درهای مسجدالحرام و کشتار برخی از زائران در مسجدالحرام به دست وهابی افراطی، جهیمان عتیبی، در سال ۱۴۰۰ق.^۵

در قرآن کریم در آیه ۱۹۶ سوره بقره ۲/ بر به پایان رساندن حج و عمره تأکید شده و مسلمانان به اتمام آن دو، امر شده‌اند: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾؛ «و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید». به نظر مفسران^۶ و فقیهان^۷

منظور از امر به اتمام حج در این آیه، تأکید بر وجوب آن یا انجام دادن همه مناسک با تمام شرایط، حدود و اجزاء، یا وجوب اتمام حج و عمره پس از شروع هر چند مستحب بوده باشد- یا وجوب اتمام حج فاسد شده است. در احادیث نیز، اتمام حج، در آیه به «اقامة حج تا آخرین جزء»^۸، «ادای حج بدون ارتکاب محرّمات احرام»^۹ و «ترك جماع، فسوق و جدال»^{۱۰} تفسیر شده است.

همچنین در این آیه و آیات متعدد دیگر، از جمله نساء/۴، ۱۶۷؛ مائده/۵، ۲؛ انفال/۸، ۳۴؛ ابراهیم/۱۴، ۳؛ نحل/۱۶، ۸۸؛ حج/۲۲، ۲۵؛ محمد/۴۷، ۳۲ و فتح/۴۸، ۲۵ به ناتمام ماندن حج و برخی احکام آن اشاره شده و عاملان ناتمام ماندن حج مذمت شده‌اند.

در احادیث، برخی اعمال، موجب تمامیت حج و عمره دانسته شده و تعبیر «تمام الحج» درباره آن‌ها به کار رفته است؛ از جمله:

۱. احرام بستن از میقات‌های مشخص شده توسط پیامبر اکرم ﷺ برای غیر مجاوران^{۱۱} و از

۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۳. تاریخ حج گزاری ایرانیان، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۴. أعيان الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۵. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة، ص ۱۰۱.

۶. الکشاف، ج ۱، ص ۲۳۸؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱۸.

۷. فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۶۳؛ کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۷۲؛ زبده

البیان، ص ۲۳۱-۲۳۴.

۸. فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۶۴.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۵.

۱۰. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۱۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۴؛ علل

الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۴.

و اهل سنت^۱، ناتمام گذاشتن حج یا عمره به دلیل آیه ۱۹۶ بقره/۲ جایز نیست و پس از شروع اعمال و احرام بستن، به پایان رساندن آن واجب است؛ هرچند شروع در آن مستحب بوده باشد.^{۱۱} همچنین تحلل کامل (خروج از احرام) متوقف بر اتمام حج و عمره است؛ مگر این که عاملی ناخواسته موجب ناتمام ماندن حج شود که در آن صورت، احرام گزار با شرایطی می تواند از احرام خارج گردد.

◀ **اسباب حج ناتمام:** بر پایه فقه اسلامی، اسباب و عوامل گوناگونی می تواند موجب ناتمام ماندن حج شود که برخی سبب ناتمامی حج، به لحاظ فقهی، و برخی موجب ناتمامی آن، به لحاظ معنوی، است:

▼ **اسباب ناتمامی فقهی حج:** اسباب

ناتمامی فقهی، اسبابی هستند که موجب ناقص شدن حج به لحاظ فقهی - به معنای مجزی نبودن یا فساد و بطلان حج - و در اکثر موارد مستلزم قضای حج است (← حج قضا). بیشتر این اسباب، ناشی از شرایط خود مکلف و

۹. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۸؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (کتاب الحج)، ج ۵، ص ۴۴۴.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۱۱۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۸-۳۸۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۱۵.
 ۱۱. الجامع للشرائع، ص ۱۷۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۰۸.

منزل برای مجاوران؛

۲. وقوف در عرفات^۲ یا وقوف در عرفات و مزدلفه.^۳

۳. بالا بردن صدا هنگام تلبیه و ریختن خون قربانی.^۴

۴. حفظ زبان از کلام ناپسند.^۵

۵. ملاقات و زیارت امام علیه السلام.^۶

به کار رفتن تعبیر «تمام الحج» درباره این اعمال نشان دهنده اهمیت آن‌ها در میان مناسک حج است؛ چنان که برخی مراد از این تعبیر را متمم و کامل کننده حج دانسته‌اند.^۷

در منابع فقهی باب جداگانه‌ای به حج ناتمام اختصاص داده نشده و احکام مربوط به آن در مبحث حج - از جمله در باب احصار و صد - پراکنده است. به اجماع^۸ فقیهان امامی^۹

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۲؛ نک: الآثار الباقیه، ص ۱۰۱؛ السنن الکبری، البیهقی، ج ۵، ص ۲۹-۳۰.
 ۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۳؛ السنن الکبری، النسائی، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸؛ السنن الکبری، البیهقی، ج ۵، ص ۱۱۳، ۱۱۶.
 ۳. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۸۲-۲۶۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۶؛ السنن الکبری، النسائی، ج ۲، ص ۴۲۷.
 ۴. نک: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۵؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۶۱.
 ۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۶.
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۸؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹.
 ۷. روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۶۲؛ ملاذ الأخیار، ج ۸، ص ۵۶.
 ۸. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۸۶.

برخی ناشی از شرایط بیرونی است. مهم‌ترین این اسباب را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

● **بیماری:** از شایع‌ترین اسباب ناتمام ماندن حج و عمره، بیماری و عواملی مانند شکستگی اعضا و جراحی است. چنانچه احرام گزار، به سبب بیماری (یا شکستگی اعضا، جراحی و مانند آن)^۱ نتواند حج یا عمره خود را تمام کند (احصار)، می‌تواند در همان محل، با انجام دادن اعمالی، از احرام خارج شود. بنا بر نظر مشهور فقهای امامی^۲ و اهل سنت^۳، شخص محصر در حج، با فرستادن قربانی به منا، ذبح آن در روز عید قربان و حلق یا تقصیر در هنگام ذبح و در عمره با فرستادن قربانی به مکه و حلق یا تقصیر هنگام ذبح آن، از احرام خارج گشته و تمامی محرمات - جز مباشرت با زنان که متوقف بر انجام دادن طواف نساء است - بر او حلال می‌شود. البته در صورت استقرار حج، قضای آن در سال آینده لازم است.^۴ (← احصار و صد)

● **بیهوشی، دیوانگی یا مستی:** به اجماع فقیهان امامی^۵ و اهل سنت^۶، از جمله شرایط وجوب و صحت حج، کامل بودن عقل است. از این رو ادای حج یا برخی مناسک آن در حال جنون، بیهوشی یا مستی صحیح نیست. بر این اساس، چنانچه شخصی در حج حضور یابد و تمامی مناسک را در جای خود به جا آورد، اما هنگام ادای آن‌ها دیوانه، بیهوش، مست یا خواب باشد، حج او باطل و قضای آن بر وی واجب است.^۷ همچنین اگر حج گزار در اثنای حج دچار دیوانگی یا بیهوشی شود و زمانی بهبود یابد که فرصتی برای جبران اعمال نمانده باشد، حج او ناتمام و باطل می‌شود. البته در صورت احتمال بهبودی او پیش از وقوفین، باید برای اعمالش نایب گرفته شود، اما در غیر این صورت، احرام و حج او باطل خواهد بود.^۸ همچنین اگر پیش از احرام دچار دیوانگی، بیهوشی یا مستی شود، فقها حج را

۵. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ریاض المسائل،

ج ۶، ص ۳۸-۳۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۹.

۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۰، ۱۶۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۶۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۰.

۷. السرائر، ج ۱، ص ۶۲۰-۶۲۱؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۸. الحدائق الناضره، ج ۱۶، ص ۴۶۰-۴۶۱.

۸. کشف الغطاء، ج ۴، ص ۴۷۴؛ کتاب الحج، گلیایگانی، ج ۱، ص ۷۷-۷۸.

۱. مناسک حج محشی، ص ۵۰۶.

۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۷-۳۸۶؛ الاحصار و الصد، ص ۵.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۴.

۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۲؛ المغنی، ج ۸، ص ۳۰۶؛ المجموع، ج ۳، ص ۳۷۲.

برای او نایب گرفته شود^۶ و بنا بر نظر معدودی از آنان، حج او مجزی است و قضا لازم ندارد.^۷ بر همین اساس، برخی فقهای امامی، برای کسی که می‌داند تا زمان معینی فوت می‌کند و در صورت حرکت به قصد حج پس از احرام و داخل شدن در حرم، از دنیا می‌رود و حجش ناتمام می‌ماند، ولی با این حال حرکت نمی‌کند، حکم به استقرار حج کرده و تصریح کرده‌اند که تمامیت حج در حق او همان احرام و داخل شدن در حرم است.^۸

(← استقرار حج)

به نظر فقیهان اهل سنت، در صورتی که حج گزار پیش از اتمام ارکان حج^۹ از دنیا برود، حج او مجزی نیست. اما اعمال انجام شده مقبول بوده و باید برای ادای بقیه مناسک، از مکان فوت وی، نایب گرفته شود. ولی اگر مرگ او پس از ادای همه ارکان اتفاق افتاده باشد، حج او مجزی خواهد بود و تنها باید برای اعمال باقیمانده کفاره داده شود.^۹

از او ساقط دانسته‌اند، اما به استناد روایتی^۱، احرام دادن او را جایز شمرده‌اند تا چنانچه پیش از وقوفین بهبود یافت، حجش را به اتمام برساند.^۲ برخی فقیهان امامی، هشیاری به هنگام احرام، وقوفین، طواف و سعی را کافی دانسته و در بقیه اعمال، نبود هشیاری را موجب بطلان حج ندانسته‌اند؛^۳ اما برخی دیگر هیچ عملی را از فرد مجنون، بیهوش یا مست (یا حتی شخص به خواب رفته در طول وقوف)، به دلیل عدم امکان اراده و نیت، صحیح ندانسته‌اند.^۴ (← حج محجوران)

● **مرگ:** چنانچه حج به سبب فوت حج گزار ناتمام بماند، اگر فوت او پس از احرام و داخل شدن در محدوده حرم رخ داده باشد، به اجماع فقیهان امامی،^۵ حج ناتمام او مجزی از حجة الاسلام است. اما اگر پس از احرام و پیش از ورود به حرم از دنیا رفته باشد و حج بر عهده او مستقر شده باشد، بنا بر نظر مشهور فقها، حج ناتمام او مجزی نیست و باید

۶. الحدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۱۵۱؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۰۶؛ مهذب الأحكام، ج ۱۲، ص ۱۲۹.
 ۷. السرائر، ج ۱، ص ۶۵۰؛ الحدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۱۵۱.
 ۸. العروة الوثقی، محشی، ج ۴، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۶۴-۶۳؛ مدارک العروه، ج ۲۴، ص ۲۸۱-۲۸۲.
 ۹. فتح العزیز، ج ۷، ص ۷۰-۷۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۲۵؛ ج ۱۵، ص ۸۳.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶۰.
 ۲. الدرر الشریعیه، ج ۱، ص ۳۴۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۳۲؛ کشف اللام، ج ۵، ص ۲۴۱-۲۴۳.
 ۳. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۸۴.
 ۴. السرائر، ج ۱، ص ۶۲۰-۶۲۱.
 ۵. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۴۳؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۹۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۹۵.

به نظر فقیهان امامی^۱ و اهل سنت^۲، احکام مذکور در مورد حج نیایی نیز صادق است؛ یعنی چنانچه نایب، پس از احرام و دخول حرم بنا بر نظر امامیان- یا پس از اتمام ارکان بنا بر نظر اهل سنت- از دنیا برود، حج از ذمه منوب عنه ساقط می شود. البته برخی فقهای امامی در حکم اجزاء، فوت نایب را پس از احرام- هر چند پیش از دخول حرم باشد- کافی دانسته اند.^۳ مشهور فقها در این حکم میان اقسام گوناگون حج نیایی (حجة الاسلام یا غیر آن، حج با اجرت یا حج تبرعی و...) تفاوتی قائل نشده اند. اما برخی آن را در حج تبرعی و غیر حجة الاسلام (مانند حج نذری و حج استحبابی) جاری ندانسته اند.^۴ (← نیابت)

● **ارتداد:** از موانع پایان یافتن حج و عمره مرتد شدن احرام گزار است و فقهای فریقین، بر این مطلب اتفاق نظر دارند؛ با این تفاوت که به نظر فقیهان اهل سنت، در صورت وقوع ارتداد در حال احرام، احرام و حج مرتد باطل

۱. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۶۸؛ الخدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۲۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۶۶.
۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۷۰-۷۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۳۵-۱۳۷؛ ج ۱۵، ص ۸۳.
۳. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۳؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۲۸؛ مناسک حج محشی، ص ۷۰.
۴. مناسک حج محشی، ص ۷۰.

می شود^۵، ولی به نظر فقهای امامی، ارتداد در اثنای حج، موجب بطلان احرام نمی شود و در صورت توبه احرام گزار می تواند اعمالش را ادامه دهد.^۶ البته اگر ارتداد همزمان با برخی اعمال و مناسک رخ داده باشد، سبب بطلان آن عمل خاص می شود و در صورت توبه، باید آن را تکرار کند.^۷ همچنین ارتداد پس از اتمام حج، به نظر فقهای حنفی^۸ و مالکی^۹، موجب بطلان حج انجام شده و وجوب تکرار آن پس از توبه می گردد. ولی به نظر فقیهان امامی^{۱۰}، شافعی^{۱۱} و حنبلی^{۱۲} حج انجام شده پیش از ارتداد نیاز به تکرار ندارد. (← ارتداد)

● **توکل عمدی رکن:** رکن در حج یا عمره عملی است که چنانچه عمداً ترک شود،

۵. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۶۵-۶۸؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۱۴؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۳۹-۴۴۰.
۶. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۴؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۲۱-۲۲۳.
۷. براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷.
۸. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۹۶؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۹۵.
۹. المدونة الكبرى، ج ۲، ص ۳۱۷؛ التاج و الاکیل، ج ۶، ص ۲۸۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۶۵-۶۸.
۱۰. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۴۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۰۲.
۱۱. المجموع، ج ۳، ص ۵؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۵.
۱۲. الإنصاف، ج ۳، ص ۳۸۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۳۹؛ مطالب أولی النهی، ج ۱، ص ۲۷۵.

(← ارکان حج، ارکان عمره)

از میان فقهای امامی، برخی در مواردی به ناتمامی حج، در صورت ترک ارکان، تصریح کرده‌اند؛ از جمله بعضی احرام را موجب تمامیت حج و عمره دانسته و از این رو حج یا عمره را بدون احرام باطل شمرده‌اند.^۷ نیز برخی فقها تصریح کرده‌اند که در صورت ترک سعی، حج ناتمام می‌شود.^۸ از میان فقیهان اهل سنت نیز برخی بر رکن بودن وقوف در عرفات^۹، وقوف در مشعرالحرام^{۱۰} - بر خلاف نظر جمهور آنان -، حلق^{۱۱}، طواف زیارت^{۱۲} و سعی^{۱۳} تأکید کرده و ترک هر یک از آن‌ها را موجب ناتمامی حج دانسته‌اند.

● **ترک وقوفین:** به نظر فقهای امامی، ترک وقوفین (وقوف در عرفات و وقوف در مشعرالحرام)، هر چند به طور غیر عمدی و از روی فراموشی یا جهل به حکم باشد، موجب

موجب بطلان حج یا عمره می‌گردد.^۱ از این رو اگر حج گزار یکی از ارکان حج را عمداً ترک کند و زمانی برای جبران آن نداشته باشد، به نظر فقیهان امامی^۲ و اهل سنت^۳، حج یا عمره او باطل و ناتمام است و باید سال دیگر آن را قضا کند؛ اما اگر از روی فراموشی آن را ترک کند، حجش صحیح است. ولی باید آن را جبران و حج را کامل کند و اگر نتواند شخصاً جبران کند، باید نایب بگیرد.^۴ البته ترک وقوفین هر چند سهوی باشد - موجب بطلان و ناتمامی حج است. بنا بر نظر مشهور امامیه، ارکان حج عبارتند از: احرام، وقوف در عرفات، وقوف در مشعر الحرام، طواف زیارت و سعی؛ و ارکان عمره عبارتند از: احرام، طواف زیارت و سعی.^۵ برخی نیت را نیز جزء ارکان شمرده‌اند.^۶

۱. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۶۲؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ كشف اللثام، ج ۵، ص ۱۹.
۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۱۴، ۳۸۲-۳۸۴؛ كشف اللثام، ج ۵، ص ۴۷۳؛ ج ۶، ص ۱۹؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ ج ۱۹، ص ۳۷۰.
۳. نک: تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۲؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ كشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۵.
۴. غایة المرام، ج ۱، ص ۴۵۶؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۱۳۶-۱۳۷.
۵. الجامع للشرائع، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ كشف اللثام، ج ۵، ص ۱۹-۲۰؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۵۳.
۶. إشارة السبق، ص ۱۴۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۳۷-۵۳۸؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۷. کتاب الحج، محقق داماد، ج ۱، ص ۴۹۵.
۸. الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۸؛ المؤلف، ج ۱، ص ۳۸۴.
۹. الشرح الكبير، ابن قدامة، ج ۲، ص ۵۰۲؛ العدة فی شرح العمدة، ج ۱، ص ۱۷۹.
۱۰. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۶۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۵۰.
۱۱. عمدة السالك، ج ۱، ص ۱۴۰.
۱۲. البيان فی مذهب الإمام الشافعی، ج ۴، ص ۳۴۵؛ الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۱۹۲؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰.
۱۳. الکافی فی فقه الإمام أحمد، ج ۱، ص ۵۱۷؛ العدة فی شرح العمدة، ج ۱، ص ۱۷۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۰۳-۴۰۴.

بطلان و ناتمام ماندن حج است.^۱ در منابع فقهی از این مطلب با عنوان «فوات حج» (از دست رفتن حج) یاد شده و مراد از آن، نرسیدن به وقوف در عرفات و مشعر است.^۲ بنا بر نظر مشهور فقهای امامی، به استناد احادیث^۳، در صورت نرسیدن حج گزار به وقوف عرفات و وقوف اختیاری مشعرحتی اگر وقوف اضطراری آن را درک کند حج او ناتمام و تبدیل به عمره می شود و باید با انجام اعمال عمره (طواف، سعی و حلق) از احرام خارج گردد و در صورت واجب بودن حج در سال آینده آن را قضا کند.^۴ در مقابل، فقیهان اهل سنت، به استناد حدیثی نبوی که وقوف عرفه را موجب تمامیت حج معرفی کرده^۵ و با توجیه احادیث معارض دیگر^۶،

ملاک اتمام حج را، صرفاً درک کردن وقوف عرفات دانسته اند.^۷ (← فوات حج)

● **ترک طواف نساء:** بعضی از فقهای امامی، به استناد برخی احادیث، تصریح کرده اند که تمامیت حج و عمره متوقف بر انجام طواف نساء است و بدون آن، حج ناتمام است.^۸ البته ترک طواف نساء - هر چند عامدانه باشد - به اجماع فقها^۹ موجب بطلان حج یا عمره نمی شود؛ زیرا آنان طواف نساء را از ارکان حج یا عمره نشمرده اند. اما به استناد احادیث^{۱۰} آن را واجب و حلیت مباشرت با زنان را منوط به انجام آن دانسته اند. از این رو اگر احرام گزار آن را ترک کند، باید شخصاً یا به وسیله نایب، جبران نماید.^{۱۱} (← طواف نساء)

● **ترک برخی شروط یا اجزاء:** فقها در مواردی ترک برخی شروط یا اجزاء واجب

۱. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۷، ۲۸۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۸۵.
 ۲. الدرر السعیه، ج ۱، ص ۴۲۶؛ الحدائق الناضره، ج ۱۶، ص ۴۶۱؛ مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۳۸۵.
 ۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۷۵-۴۷۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۴-۲۹۵.
 ۴. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ نک: رسائل و مسائل، نراقی، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۷۶؛ التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۷.
 ۵. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۳؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۲، ص ۴۲۴؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۱۱۶.
 ۶. مستند الامام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۸۲-۲۶۱؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۶؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۷. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۲۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۲۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۴۹.
 ۸. کتاب الحج، محقق داماد، ج ۳، ص ۳۷۸؛ التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ج ۳، ص ۲۷۹؛ نک: براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۱، ص ۲۴۵.
 ۹. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۴۸؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۷۲؛ الحدائق الناضره، ج ۱۶، ص ۱۵۷.
 ۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۵۱۲-۵۱۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.
 ۱۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۸۳؛ الدرر السعیه، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۴۰۵-۴۰۷.

که در صورت مقید بودن نیابت به همان سال، باید اجرت بازگردانده شود؛ زیرا به شرط عمل نشده است.^{۱۰}

همچنین فقیهان امامی، به استناد صحیحۀ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام که احرام بستن از مواقیت مشخص شده توسط پیامبر صلی الله علیه و آله را موجب تمامیت حج و عمره دانسته است^{۱۱}، احرام از مواقیت را واجب شمرده و عبور از آن‌ها، بدون احرام یا احرام بستن پیش از میقات را (جز در موارد استثنا شده) جایز ندانسته‌اند.^{۱۲} البته ظاهر حدیث مذکور کمال و استحباب است.^{۱۳} از این رو فقها برای کسانی که از خصوص مواقیت مذکور عبور نمی‌کنند، احرام بستن از محاذات میقات را کافی دانسته‌اند.^{۱۴} در هر صورت، فقها به تأخیر انداختن احرام را از میقات (یا محاذی آن)، چنانچه از روی علم و عمد باشد و امکان جبران نداشته باشد، موجب بطلان و ناتمامی

حج را موجب ناتمامی حج دانسته‌اند؛ از جمله در مورد اسلام که به اجماع فقیهان امامی^۱ و اهل سنت،^۲ شرط صحت حج است. برخی به ناتمامی حج بدون اسلام تصریح کرده‌اند.^۳ همچنین در مورد نیت که شرط صحت حج^۴ و مناسک آن^۵ است، برخی تصریح کرده‌اند که در صورت ترک قصد قربت، حج باطل است.^۶ نیز برخی اخلال در نیت حج را در بعضی موارد، به استناد برخی احادیث، موجب نقصان حج دانسته‌اند.^۷ برخی هم در حج نیایی تغییر نیت را از سوی نایب، موجب ناتمامی حج شمرده و چنین حجی را برای هیچ یک از نایب و منوب عنه، مجزی ندانسته‌اند؛ زیرا در باقیمانده اعمال نیت وجود ندارد^۸ و گفته‌اند

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۱۳.
۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۱۴؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۲۴؛ تحفة المحتاج، ج ۳، ص ۲۳۶.
۳. جامع الشتات، ج ۱، ص ۳۴۳.
۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۵، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۵. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۶۵-۱۶۶، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۳۳.
۶. السرائر، ج ۱، ص ۶۲۱.
۷. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۰۵؛ براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۲، ص ۲۴۸.
۸. ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۱۳؛ شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۱.
۹. غایة المراد، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵؛ مدارک الاحکام، ج ۷،

- ص ۱۴۷-۱۴۸؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۱۷۳-۱۷۴.
۱۰. ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۶۹-۵۷۰.
۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۱۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۴.
۱۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۱۱؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۵۹؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۹۳.
۱۳. براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۲، ص ۳۱۶.
۱۴. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۱۵-۱۱۷؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۲۷۴-۲۷۶.

حج و عمره شمرده‌اند.^۱ فقیهان اهل سنت، به استناد روایتی از امام علی علیه السلام که احرام از منزل را موجب تمامیت حج معرفی کرده^۲، احرام از منزل را برای همگان جایز و حتی برخی افضل دانسته‌اند.^۳ اما فقیهان امامی، به تصریح برخی احادیث^۴، روایت امیرالمؤمنین علیه السلام را مختص ساکنان میان میقات و مکه شمرده و احرام از منزل را برای آفاقیان -جز در مواردی مثل نذر- جایز ندانسته‌اند.^۵

نیز برخی فقها تصریح کرده‌اند که بدون ختان (ختنه کردن) حج ناتمام است؛ زیرا ختنه برای مردان از شروط صحت طواف است و بدون آن، طواف جایز نیست.^۶ از دیگر شروط صحت طواف، به نظر فقهای امامی^۷ و

اهل سنت^۸ (جز حنفیان^۹) طهارت -از خبث و حدث اکبر و اصغر- است. از این رو برخی فقها، به تبع برخی احادیث، برای زنی که در عمره تمتع پیش از پایان دور چهارم طواف حائض گردد، حکم به ناتمام ماندن عمره و وجوب از سر گرفتن آن پس از پایان حج کرده و در صورت تکمیل چهار دور با طهارت، عمره او را تمام دانسته و قضای باقیمانده طواف را پس از انجام دادن سایر مناسک و حصول طهارت، لازم شمرده‌اند.^{۱۰}

● **ارتکاب برخی محرمات احرام:** بر پایه فقه امامی^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲}، انجام دادن برخی محرمات احرام از روی علم و عمد، گناه موجب ناتمام ماندن حج یا عمره می‌شود؛ از جمله، آمیزش جنسی در احرام حج -چنانچه پیش از وقوف مشعر (بنا بر نظر فقهای امامی^{۱۳}) یا پیش از وقوف عرفات (بنا بر نظر

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۱۲؛ مصباح الیهدی، ج ۱۲، ص ۴۲۴-۴۲۵؛ کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۷.
 ۲. الآثار الباقیه، ص ۱۰۱؛ المصنّف، ج ۴، ص ۱۹۵؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۳۰.
 ۳. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۶۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۱۵.
 ۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۲؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۹۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۹.
 ۵. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۸۴-۱۸۵، ۱۶۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۲، ۲۲۸؛ الحدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۴۴۷-۴۴۹، ۴۴۸-۴۶۰.
 ۶. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۵۸؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۷۴.
 ۷. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۵۷؛ مسالک الافهام، ج ۲،

ص ۳۲۸؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۴۰۵-۴۰۷.
 ۸. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۴۴؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۹۰.
 ۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۳۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۹.
 ۱۰. شرح تبصره المتعلمین، ج ۳، ص ۳۵۴-۳۵۵.
 ۱۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۴۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۵۲-۳۵۳، ۳۶۳، ۳۶۷-۳۶۸، ۳۸۰.
 ۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ فتح الغریز، ج ۷، ص ۴۷۳.
 ۱۳. کشف اللثام، ج ۶، ص ۴۲۵.

مشعر، و به نظر فقهای مالکی^۸، پیش از تحلل اول، موجب فساد و ناتمامی حج است. (← خودارضایی) نیز به نظر شماری از فقهای اهل سنت (از جمله برخی حنبلیان و مالکیان) بوسیدن و لمس شهوت آمیز و مصادیق دیگری از التذاذ جنسی، مانند نگاه شهوت آمیز یا فکر و خیال شهوانی، در صورتی که به انزال بینجامد، موجب ناتمامی و فساد حج است.^۹

(← التذاذ جنسی)

در صورت فساد حج، به نظر فقهای امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، قربانی کردن به عنوان کفاره، اتمام حج فاسد شده و قضای آن در سال آینده، چه در حج واجب و چه در حج مستحبی، واجب است و در صورت به پایان نرساندن، احرام گزار از احرام خارج نمی شود. همچنین به نظر فقهای امامی^{۱۲} و اهل سنت^{۱۳}، در صورت فساد عمره مفرده، اتمام عمره و

حنفیان^۱ یا پیش از تحلل^۲ اول (بنا بر نظر سایر مذاهب اهل سنت) رخ دهد- و در احرام عمره- چنانچه پیش از سعی اتفاق افتد- به اجماع فقها و به استناد آیه ﴿...فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...﴾ (بقره/۲، ۱۹۷) و احادیث، موجب فساد و ناتمام ماندن حج و عمره می گردد^۳ (← آمیزش)؛ همچنان که در روایتی، تمامیت حج و عمره به ترک رَفَث (جماع)، فُسُوق (دروغ یا دشنام) و جدال (سوگند به خدا با لفظ مخصوص) تفسیر شده است.^۴

برخی فقیهان ارتکاب فسوق و جدال را نیز موجب ناتمامی و فساد حج شمرده اند.^۵ همچنین به نظر برخی فقیهان امامی^۶، به استناد احادیث^۷، خودارضایی، پیش از وقوف به

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۸-۵۷؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۷.
۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴، ۴۱۴.
۳. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۰؛ التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ج ۲، ص ۲۴۳، ۲۵۷.
۴. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۳۷.
۵. المقنعه، ص ۴۳۲؛ نک: ریاض المسائل، ج ۱، ص ۳۷۶؛ کتاب الحج، گلبایگانی، ج ۲، ص ۱۳۹.
۶. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۶۷-۳۶۸.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲۴.

۸. التاج و الاکلیل، ج ۳، ص ۱۶۶؛ شرح مختصر خلیل، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۶۸.
۹. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۲؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۶۸؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۴۲-۲۴۳.
۱۰. کشف اللثام، ج ۶، ص ۴۳۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۰۶-۴۰۸.
۱۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۳۵.
۱۲. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۹؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۸۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۳.
۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۳۸۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۸-۳۷۹.

تکرار آن و در صورت فساد عمره تمتع، اتمام و تکرار آن پیش از حج و در صورت عدم امکان، تکرار حج در سال بعد واجب است.^۱
(← فساد حج)

● **جلوگیری دشمن:** چنانچه احرام گزار به سبب جلوگیری دشمن (یا فرد دیگر) نتواند حج یا عمره خود را تمام کند (صَدَّة)، بنا بر نظر مشهور فقهای امامی^۲ و اهل سنت^۳، با انجام قربانی و حلق یا تقصیر در همان محل از احرام حج یا عمره خارج، و تمامی محرمات - حتی مباشرت با زنان - بر او حلال می شود و در صورت استقرار حج، سال بعد باید حج خود را قضا کند. (برای تفصیل ← احصار و صد)^۴

● **تقیه:** بر پایه فقه امامی، گاه در مواردی تقیه موجب ناقص شدن حج می شود و آن در جایی است که حج گزار، به دلیل تقیه، اعمال حج را طبق مذهب مخالفان انجام دهد. برخی فقها تصریح کرده اند که چنین حجی، هر چند ناقص و ناتمام است، مُجْزِی است و حتی در صورت از بین رفتن سبب تقیه، نیازی به اعاده ندارد.^۴

● **حوادث طبیعی و غیر مترقبه:** حوادث طبیعی، مانند سیل، طوفان، زلزله، آتش سوزی و... یا حوادث غیر مترقبه دیگر، مانند تصادف، خرابی وسیله نقلیه، سقوط هواپیما، غرق شدن کشتی، گم کردن راه، تمام شدن هزینه حج، ازدحام جمعیت، آشوب و درگیری و... نیز گاه می تواند مانع پایان یافتن حج یا عمره شود. در منابع تاریخی، برخی از این موارد گزارش شده است؛ از جمله: حادثه بارش باران شدید و بی سابقه در منا و ریزش کوه در جمره عقبه، در سال ۲۲۸ق. که موجب کشته شدن گروهی از حج گزاران شد^۵؛ ناتمام ماندن حج در سال ۳۵۷ق. به دلیل از بین رفتن شتران در اثر تشنگی^۶؛ ناتمام ماندن حج در سال ۳۹۷ق.، به سبب وزیدن بادهای سیاه و شدید در منطقه تَعْلَبِیَه (از منازل میان کوفه و مکه)^۷ که منجر به بازگشت حج گزاران شد^۸؛ ازدحام حج گزاران در کعبه در سال ۵۸۱ق. که موجب کشته شدن ده ها نفر از آنان شد^۹؛ کشته شدن تعدادی از

۵. تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۱۲۴: المنتظم، ج ۱۱، ص ۱۲۹: الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۹.
۶. المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۸۹.
۷. معجم البلدان، ج ۲، ص ۷۸.
۸. المنتظم، ج ۱۵، ص ۵۴-۵۵.
۹. تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۱۳: شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۷۹.

۱. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۶: کشف الغطاء، ج ۴، ص ۵۰۷: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۸۰.
۲. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۴: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۱.
۳. المغنی، ج ۸، ص ۳۰۲-۳۰۳: المجموع، ج ۳، ص ۳۷۱: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶.
۴. القواعد الفقهية، ج ۵، ص ۶۱-۶۲.

فقیهان امامی^۷ و اهل سنت^۸، وی باید در همان سال، حج خود را به پایان برساند.

▼ **اسباب ناتمامی معنوی حج:** افزون بر اسباب یاد شده که موجب ناتمامی حج، به لحاظ فقهی، می‌گردد، در احادیث و منابع فقهی، برخی اعمال موجب ناتمامی حج معرفی شده‌اند؛ با این که مسلماً موجب بطلان و ناتمامی فقهی حج نمی‌شوند و مراد از آن‌ها فقدان کمال و تمامیت معنوی است؛ از جمله:

● **ملاقات نکردن با امام علی(ع):** در روایات متعددی، تمامیت حج، به ملاقات با امام علی(ع) منوط شده و تأکید گردیده است که از جمله اعمالی که حج با آن تمام می‌شود، ملاقات و زیارت امام علی(ع)، بعد از فریضه حج است.^۹ حتی از برخی احادیث برمی‌آید که غرض اصلی از واجب شدن حج، زیارت پیامبر اکرم(ص) و امامان علی(ع) است و حج، جز با آن، تمام نمی‌شود.^{۱۰} همچنین در روایتی دیگر، به کامل کردن و اتمام حج با زیارت پیامبر(ص) و قبور

حجاج، هنگام سعی، به سبب ازدحام جمعیت در سال ۶۱۷ق.^۱ و نیز هنگام خروج از مسجدالحرام برای عمره در چهاردهم ذیحجه سال ۶۷۷ق.^۲، بازگشت بیشتر حجاج مصری به سبب کم‌آبی در منازل میان راه در سال ۷۲۵ق.^۳ و مرگ برخی حج‌گزاران یمنی به سبب تشنگی در نزدیکی مکه در سال ۸۰۰ق.^۴ در برخی موارد ممکن است دو یا چند سبب از اسباب پیشین، حج را ناتمام سازد؛ مانند آن که پس از فساد یا فوات حج، حج‌گزار محصر یا مصلود شود. در فرض اجتماع احصار و فساد حج، به نظر فقیهان امامی^۵ و اهل سنت^۶، احصار کفارهٔ افساد حج را اسقاط نمی‌کند و فساد حج نیز مانع تحلل نمی‌شود و ادای یک حج قضا در سال آینده کافی است. همچنین هرگاه پیش از تحلل مصلود یا محصر، سبب احصار یا صلّه از میان برود و فرصت ادای حج باقی باشد، به نظر

۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۳. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۹۵.

۴. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۰۳.

۵. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۳، ۳۳۸؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۷۳؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷، ۴۸۳.

۶. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۳۵۶؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۳۲.

۷. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مدارک الاحکام، ج ۸،

ص ۲۹۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۳۵-۱۳۷.

۸. المجموع، ج ۷، ص ۳۸۹؛ ج ۸، ص ۳۰۷؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۲۸-۵۲۹.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۸؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹.

۱۰. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹؛ شرح فروع الکافی، ج ۵، ص ۵۲۱-۵۲۲.

معصومان علیهم السلام و طلب روزی نزد قبر آنان امر شده است.^۱ مراد از لقاء امام در زمان حضور، دیدار با امام معصوم علیه السلام، تجدید پیمان با وی و اعلام ولایت و نصرت نسبت به او و در زمان غیبت، زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به منظور تجدید عهد و طلب یاری و شفاعت از آنان است.^۲

فقیهان امامی، به استناد این احادیث و روایات فراوان دیگر، زیارت حرم نبوی و قبور شریف امامان علیهم السلام را پس از فریضه حج، تکمیل کننده حج^۳ و مستحب مؤکد^۴ (یا حتی واجب^۵) دانسته و تصریح کرده اند که هر چند مورد این روایات مختص به حال حیات امام است، اما حکم آن، بنا بر روایات متعدد، بعد از وفات نیز جاری است و شامل زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله هم می شود.^۶

● **کلام ناپسند:** در برخی احادیث، پس از توصیه به تقوا، ذکر فراوان خدا و کم گویی در حال احرام و حفظ زبان از کلام ناپسند،

موجب تمامیت حج و عمره معرفی شده است.^۷ برخی فقیهان امامی، به استناد این احادیث، حفظ زبان را در حال احرام مستحب دانسته^۸ یا بیهوده گویی را از مکروهات احرام شمرده اند.^۹ حتی برخی، به استناد آن، هر گونه کلام بد و ناپسند را مصداق فسوق، و برای احرام گزار حرام دانسته اند.^{۱۰}

● **نوشیدن از آب زمزم:** برخی فقیهای اهل سنت نوشیدن از آب زمزم را مستحب دانسته و از موارد تمامیت حج بر شمرده اند.^{۱۱} فقیهان شافعی^{۱۲} نیز نوشیدن از سقایة عباس را پس از طواف زیارت، به استناد عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و اخباری که آن را موجب تمامیت حج دانسته^{۱۳}، مستحب شمرده اند.

در منابع اهل سنت، موارد دیگری نیز موجب تمامیت حج دانسته شده است؛ از جمله: انجام دادن عمره قبل از حج (ادای حج

۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۶.

۸. الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۳۴۹؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۲۹۴.

۹. سداد العباد و رشاد العباد، ص ۳۰۴.

۱۰. براهین الحج للفقهاء و الحجج، ج ۳، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۱۱. عمدة القاری، ج ۹، ص ۲۷۶-۲۷۷.

۱۲. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۱۹۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۷۱.

۱۳. المصنّف، ج ۴، ص ۲۶۵؛ اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۵۵، ۵۸؛

اخبار مکه، الفاکهی، ج ۲، ص ۵۶، ۵۹.

۱. الخصال، ص ۶۱۶.

۲. روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۳. روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۶۲؛ دلیل الناسک، ص ۴۹۳.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۰-۳۲۵؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۷،

ص ۴۰۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۷۹-۸۲.

۵. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۶۰.

۶. الوافی، ج ۱۴، ص ۱۳۲۰-۱۳۲۱؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۷،

ص ۴۰۳.

يحيى البلاذري (م. ٢٧٩ق.)، تحقيق سهيل صادق زكار و رياض زركلي، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧ق؛ **الانصاف في معرفه الراجح من الخلاف على مذهب الامام احمد بن حنبل**: علي بن سليمان المرادوي (م. ٨٨٥ق.)، به كوشش محمد حامد فيقي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٧٧ق؛ **ايضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد**: حسن بن يوسف حلي (٦٤٨-٧٧١ق.)، به كوشش سيد حسين موسوي كرماني و عبدالرحيم بروجردي و علي پناه اشتهازي، قم، چاپخانه علميه، ١٣٨٧ق؛ **بداية المجتهد و نهاية المقتصد**: محمد بن احمد ابن رشد الاندلسي (م. ٥٩٥ق.)، تحقيق و تصحيح العطار، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **البداية و النهاية في التاريخ**: اسماعيل بن عمر بن كثير (٧٠٠-٧٧٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ق؛ **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**: ابوبكر بن مسعود الكاشاني (م. ٥٨٧ق.)، باكستان، المكتبة الحبيبيه، ١٤٠٩ق؛ **براهين الحج للفقهاء و الحجج**: رضا مدني كاشاني (م. ١٤١٣ق.)، كاشان، مدرسه علميه آيه الله مدني كاشاني، ١٤١١ق؛ **البيان في مذهب الإمام الشافعي**: يحيى بن سالم العمراني (م. ٥٥٨ق.)، تحقيق النوري، جدة، دار المنهاج، ١٤٢١ق؛ **التاج و الاكليل لمختصر خليل**: محمد بن يوسف العبدري (م. ٨٩٧ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٣٩٨ق؛ **تاريخ ابن خلدون (العبر و ديوان المبتداء و الخبر في ايام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الاكبر)**: عبدالرحمان بن محمد ابن خلدون (م. ٨٠٨ق.)، به كوشش خليل شحاده و سهيل صادق زكار، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٨ق؛ **تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام**: شمس الدين محمد بن احمد الذهبي

به صورت تمّت^١ و حضور در نماز جماعت ظهر و عصر عرفه^٢.

◀ منابع

الآثار: يعقوب بن ابراهيم الأنصاري (م. ١٨٢ق.)، تحقيق ابوالوفا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٣٥٥ق؛ **الاحصار والصد**: سيد محمدرضا موسوي گلپايگاني، قم، دار القرآن الكريم، ١٤١٣ق؛ **اخبار مكة في قديم الدهر و حديثه**: محمد بن اسحق الفاكهي (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، مكة، مكتبة الاسدي، ١٤٢٤ق؛ **اخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار**: محمد بن عبدالله الازرقى (م. ٢٤٨ق.)، به كوشش رشدي الصالح ملحس، بيروت، دار الاندلس، ١٤١٦ق؛ **ارشاد الازهران الى احكام الايمان**: حسن بن يوسف حلي (٦٤٨-٧٢٦ق.)، تحقيق فارس الحسون، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٠ق؛ **الارشاد في معرفة حجج الله على العباد**: شيخ مفيد محمد بن محمد بن النعمان (٣٣٦-٤١٣ق.)، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق؛ **إشارة السبق إلى معرفة الحق**: علي بن الحسن الحلبي (قرن ٦ق.)، به كوشش ابراهيم بهادري، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٤ق؛ **اعيان الشيعة**: سيد محسن الامين (م. ١٣٧١ق.)، به كوشش سيد حسن الامين، بيروت، دار التعارف، ١٤٠٣ق؛ **الام**: محمد بن ادريس الشافعي (م. ٢٠٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ **انساب الاشراف**: احمد بن

١. المصنّف، ج ٤، ص ٣٠٤.

٢. المصنّف، ج ٤، ص ٣٢٧.

(م.٧٤٨ق.)، تحقيق عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤١٠ق؛ **تاريخ الطبري (تاريخ الامم و الملوك)**: محمد بن جرير الطبري (٢٢٤-٣١٠ق.)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **تاريخ يعقوبى**: احمد بن ابى يعقوب يعقوبى (٢٩٢ق.)، بيروت، دار صادر، ١٤١٥ق؛ **تاريخ حج كزارى ايرانيان**: اسرا دوغان، تهران، مشعر، ١٣٨٩ش؛ **تجارب الامم**: ابوعلی احمد بن محمد مسكويه (٤٢١ق.)، تحقيق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ١٣٧٩ش؛ **تحفة الفقهاء**: محمد بن احمد السمرقندى (٥٣٥-٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ **تحفة المحتاج فى شرح المنهاج**: احمد بن محمد بن حجر الهيتمى (٩٧٤ق.)، مصر مكتبة التجاربه الكبرى، ١٣٥٧ق؛ **تفسير العياشى**: محمد بن مسعود العياشى (٣٢٠ق.)، تحقيق سيد هاشم رسولی محلاتى، تهران، مكتبة العلميه الاسلاميه، ١٣٨٠ق؛ **تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة (كتاب الحج)**: فاضل لنكرانى، بيروت، دار التعارف، ١٤١٨ق؛ **تهذيب الاحكام فى شرح المقنعة للشيخ المفيد**: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش سيد حسن موسوى خرسان و على آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ **التهذيب فى مناسك العمرة و الحج**: جواد تبريزى (١٤٢٧ق.)، قم، دار التفسير، ١٤٢٢ق؛ **جامع البيان عن تاويل آى القرآن (تفسير الطبرى)**: محمد بن جرير الطبرى (٢٢٤-٣١٠ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق؛ **جامع الشتات**: ميرزاى قمى (٢٣١ق.)، تصحيح مرتضى رضوى، كيهان، ١٣٧١ش؛ **جامع المقاصد فى شرح القواعد**: على بن حسين الكركسى

(م.٩٤٠ق.)، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٨ق؛ **الجامع للشرائع**: يحيى بن سعيد حلى (٦٠١-٦٩٠ق.)، قم، مؤسسه سيدالشهداء، ١٤٠٥ق؛ **جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام**: محمد حسين نجفى (٢٦٦ق.)، تهران، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٨ق؛ **حاشية الدسوقى**: محمد بن احمد الدسوقى (٢٣٠ق.)، احياء الكتب العربيه؛ **حاشية رد المختار على الدر المختار**: شرح التنوير الابصار فى فقه مذهب الامام ابى حنيفه النعمان: محمد امين بن عابدين (١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الحاوى الكبير فى فقه مذهب الامام الشافعى**: على بن محمد الماوردى (٤٥٠ق.)، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ **الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة**: يوسف بن احمد البحرانى (١١٨٦ق.)، تحقيق محمد تقى ابروانى و على آخوندى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **الخصال المحمودة و المذمومة**: شيخ صدوق محمد بن على بن بابويه (٣١١-٣٨١ق.)، به كوشش على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠ق؛ **الخلافة فى الاحكام**: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٧ق؛ **الدروس الشرعيه فى فقه الاماميه**: محمد بن مكى (٧٨٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٢ق؛ **دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام**: نعمان بن محمد المغربى (٣٦٣ق.)، تحقيق آصف بن على اصغر فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ **دليل الناسك**: سيد محسن حكيم (١٣٩٠ق.)، تحقيق محمد قاضى

عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۲ق؛ سنن الصغير للبيهقي: ابوبكر بيهقي (م۴۵۸ق). تحقيق امين قلجعي، باكستان، جامع الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۰ق؛ السنن الكبرى: احمد بن الحسين البيهقي (۳۸۴-۴۵۸ق)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ق؛ السنن الكبرى: احمد بن علي النسائي (۲۱۵-۳۰۳ق)، تحقيق عبدالغفار سليمان البنداري و سيد حسن كسروي، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق؛ السيرة النبويه: عبدالملك بن هشام (م. ۲۱۸ق)، تحقيق مصطفى السقا و عبدالحفيظ شبلي و ابراهيم الايباري، بيروت، دار المعرفه، بي تا؛ شذرات الذهب في اخبار من ذهب: عبدالحى بن عماد (م. ۱۰۸۹ق)، به كوشش عبدالقادر الانووط، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق؛ شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام: جعفر بن حسن محقق حلي (۶۰۲-۶۷۶ق)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق؛ الشرح الكبير: عبدالرحمان بن قدامه (م. ۶۸۲ق)، بيروت، دار الكتب العربي؛ شرح تبصره المتعلمين: آقا ضياء عراقى (۱۲۴۰-۱۳۲۱ق)، تحقيق محمد الحسون، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۴ق؛ شرح فروع الكافي: محمد هادى بن محمد صالح مازندراني (م. ۱۱۲۰ق)، به كوشش محمد جواد محمودى و محمد حسين درايتى، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ق؛ شرح مختصر خليل: محمد بن عبدالله الخراسي (م. ۱۱۰۱ق)، بيروت، دار الفكر للطباعة؛ شفاء الغرام باخبار البلد الحرام: محمد بن احمد التقي الفاسي (م. ۸۳۲ق)، تحقيق گروهی از علماء، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ق؛ العدة في شرح العمدة: بهاءالدين المقدسى (م. ۶۲۴ق)، صلاح بن

طباطبائي، مدرسة دارالحكمة، ۱۴۱۶ق؛ ذخيرة المعاد في شرح الارشاد: محمدباقر سبزواري (م. ۱۰۹۰ق)، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۲۷ق؛ رسائل و مسائل شامل هشتصد و پانزده سؤال و جواب و دوازده رساله فقهی و غيره: احمد بن محمد مهدي النراقي (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق)، به كوشش رضا استادي، قم، انتشارات كنگره بزرگداشت فاضلين نراقين، ۱۳۸۰ش؛ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه: محمد تقي مجلسي (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق)، تحقيق سيد حسين موسوي كرمانى، على پناه اشتهاردى، تهران، انتشارات بنياد فرهنگ اسلامى حاج محمد حسين كوشانپور، ۱۳۹۹ق؛ رياض المسائل في بيان احكام الشرع بالدلائل: سيد على طباطبائي (م. ۱۲۳۱ق)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ زبدة البيان في احكام القرآن: مقدس اردبيلي احمد بن محمد (م. ۹۹۳ق)، به كوشش محمد باقر بهبودى، تهران، مكتبه المرتضويه لاحياء الاثار الجعفريه، ۱۳۸۶ش؛ سداد العباد و رشاد العباد: حسين بحراني آل عصفور (م. ۱۲۱۶ق)، تحقيق محسن آل عصفور، قم، محلاتى، ۱۴۲۱ق؛ السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى: محمد بن احمد ابن ادریس (م. ۵۹۸ق)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۱ق؛ سنن ابن ماجه: محمد بن زيد الربيعي ابن ماجه (م. ۲۷۵ق)، به كوشش محمدفؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۳۹۵ق؛ سنن ابى داود: ابوداود سليمان بن الاشعث (م. ۲۷۵ق)، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ق؛ سنن الترمذی (الجامع الصحيح): محمد عيسى الترمذی (م. ۲۷۹ق)، به كوشش عبدالوهاب

تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **الکامل فی التاریخ**: علی بن محمد بن الاثیر (۵۵۵-۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **کتاب الحج**: سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (م.۱۴۱۴ق.)، به تقریر احمد صابری همدانی، قم، دار القرآن الکریم ۱۴۱۴ق؛ **کتاب الحج**: سید محمد محقق داماد یزدی (م.۱۳۸۸ق.)، به تقریر عبدالله جوادی آملی، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۰۱ق؛ **کتاب الحج**: سید محمود شاهرودی (م.۱۳۹۴ق.)، مقرر ابراهیم جنساتی، قم، انصاریان، ۱۴۰۲ق؛ **کشاف القناع عن مستن الاقناع**: منصور بن یونس البهوتی (م.۱۰۵۲ق.)، به کوشش محمد حسن محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**: محمود بن عمر الزمخشری (م.۵۲۸ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق؛ **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء**: جعفر بن خضر کاشف الغطاء (م.۱۲۲۸ق.)، تحقیق عباس تبریزیان و دیگران، قم، نشر الإسلامی، ۱۴۲۲ق؛ **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**: محمد بن الحسن الفاضل الهندی (م.۱۱۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **کنز العرفان فی فقه القرآن**: محمد بن عبدالله المقصد (م.۸۲۶ق.)، تحقیق محمد قاضی، قم، مجمع تقریب مذاهب، ۱۴۱۹ق؛ **المبسوط فی فقه الامامیه**: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ق.)، به کوشش محمدباقر بهبودی و سید محمدتقی کشفی، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ش؛ **المبسوط**: محمد بن احمد السرخسی (م.۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**: الفضل بن الحسن الطبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق.)، به

محمد عویضه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق؛ **العروة الوثقی**: سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ق؛ **علل الشرائع و الاحکام**: شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (۳۱۱-۳۸۱ق.)، به کوشش سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ **عمدة السالك و عدة الناسک**: شهاب الدین ابن النقیب الشافعی (م.۷۶۹ق.)، تحقیق عبدالله الأنصاری، قطر، الشؤون الدینیة، ۱۹۸۲م؛ **عمدة القاری**: محمود بن احمد البدرالعینی (م.۸۵۵ق.)، بیروت، دار الإحياء التراث العربی؛ **غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام**: مفلح بن الحسن الصیمری (م.۹۰۰)، تحقیق کوثرانی، بیروت، دار الهادی، ۱۴۲۰ق؛ **غایة المراد فی شرح نکت الارشاد**: محمد بن مکی (۷۳۴-۷۸۶ق.)، تحقیق گروهی از محققان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴-۱۴۲۱ق؛ **فتح العزیز**: عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (م.۶۲۳ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **فقه القرآن**: قطب الدین الراوندی (م.۵۷۳ق.)، به کوشش سید احمد حسینی اشکوری، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق؛ **قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام**: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق؛ **القواعد الفقهیه**: سید محمد حسن بجنوردی، تحقیق مهریزی و درایتی، قم، الهادی، ۱۴۱۹ق؛ **الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل**: عبدالله بن قدامه (م.۶۲۰ق.)، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **الکافی**: محمد بن یعقوب کلینی (م.۳۲۹ق.)، به کوشش علی اکبر غفاری،

كوشش محمد جواد بلاغى (١٨٦٤-١٩٣٣م)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش؛ **مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان:** مقدس اردبيلي احمد بن محمد (م.٩٩٣ق.)، به كوشش مجتبی عراقى و حسين يزدى و على پناه اشتهاردى (١٢٩٦-١٣٨٧ش.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق؛ **المجموع شرح المهذب:** يحيى بن شرف النووي (٦٣١-٦٧٦ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **مختلف الشيعة فى احكام الشريعة:** حسن بن يوسف حلى (٤٤٨-٧٢٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٢ق؛ **مدارك الاحكام فى شرح شرائع الاسلام:** سيد محمد بن على موسوى عاملى (٩٥٦-١٠٠٩ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٠ق؛ **مدارك العروة:** على پناه اشتهاردى، تهران، دار الأسوه، ١٤١٧ق؛ **المدونة الكبرى:** مالك بن انس (م.١٧٩ق.)، بيروت، دار الاحياء التراث العربى، ١٣٢٣ق؛ **مروج الذهب و معادن الجوهر:** على بن الحسين المسعودى (م.٣٤٦ق.)، به كوشش يوسف اسعد داغر، قم، انتشارات هجرت، ١٤٠٩ق؛ **مسالك الافهام الى آيات الاحكام:** الجواد الكاظمى (م.١٠٦٥ق.)، تعليق شريفزاده، تهران، مرتضوى، ١٣٦٥ش؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام:** زين الدين بن على، شهيد ثانى (٩١١-٩٦٦ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامى، ١٤١٦ق؛ **مستمسك العروة الوثقى:** سيد محسن حكيم (م.١٣٩٠ق.)، قسم، انتشارات دارالتفسير، ١٤١٦ق؛ **مستند الشيعة فى احكام الشريعة:** احمد بن محمد مهدي النراقى (١١٨٥-١٢٤٥ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٥ق؛ **مسند الامام احمد بن حنبل:** احمد بن حنبل (م.٢٤١ق.)، بيروت، دار الصادر، بى تا؛

مصباح الهدى فى شرح العروة الوثقى: محمدتقى آملی (م.١٣٩١ق.)، تهران، انتشارات فردوسى، ١٣٨٠ق؛ **المصنّف:** عبدالله بن محمد بن ابى شبيه (م.٢٣٥ق.)، تحقيق و تعليق سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق؛ **مطالب أولى النهى:** مصطفى السيوطى الرحيبانى (م.١٢٤٣ق.)، دمشق المكتب الإسلامى، ١٤١٥ق؛ **معجم البلدان:** ياقوت بن عبدالله الحموى (م.٦٢٦ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٩٩ق؛ **المغزى:** محمد بن عمر الواقدى (م.٢٠٧ق.)، به كوشش مارسدن جونسن، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٤٠٩ق؛ **المغنى:** عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **مفاتيح الشرائع:** محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى (١٠٠٦-١٠٩١ق.)، تحقيق سيد مهدي رجايى، قم، انتشارات مجمع ذخائر اسلامى، ١٤٠١ق؛ **المقنعه:** شيخ مفيد محمد بن محمد بن النعمان (٣٣٦-٤١٣ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠ق؛ **ملاذ الاخيار فى فهم تهذيب الاخبار:** محمد باقر المجلسى (١٠٣٧-١١١٠ق.)، به كوشش سيد مهدي رجايى، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٦ق؛ **من لا يحضره الفقيه:** شيخ صدوق محمد بن على بن بابويه (٣١١-٣٨١ق.)، تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، (م.١٤١٠ق.)، **مناسك حج (المحشى):** امام خمينى (م.١٣٨١ش؛ **المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم:** عبدالرحمان بن على ابن الجوزى (م.٥٩٧ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٢ق؛ **المهدى المنتظر فى ضوء الاحاديث و الآثار**

الصحيحه و اقوال العلماء و اراء الفرق المختلفه: عبدالعظيم البستوي، مکه، مکتبه المکيه، ۱۴۲۰ق؛ مهذب الأحكام فی بيان الحلال و الحرام: سيد عبدالأعلى سبزواری (م. ۱۴۱۴ق.)، قم، دفتر آيه الله سبزواری، ۱۴۱۳ق؛ مواهب الجليل: محمد بن محمد الحطاب الرعيني (م. ۹۵۴ق.)، تحقيق زکريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۶ق؛ المؤلف من المختلف بين أئمة السلف: الفضل بن الحسن الطبرسي (۴۶۸-۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از استادان، مشهد، انتشارات بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ق؛ السوافي: محمد بن شاه مرتضى فيض کاشاني (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق.)، تحقيق ضياءالدين حسيني و کمال الدين فقيه ایماني، اصفهان، کتابخانه اميرالمومنين، ۱۴۰۶ق؛ وسائل الشيعه (تفصيل وسائل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعه): محمد بن الحسن الحر العاملي (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.)، به کوشش عبدالرحيم رباني شيرازي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.

سعید گلاب‌بخش



حج‌نامه: سفرنامه حج، نوشته سلیم خان

تکابی

گزارش سفر حج سال ۱۳۱۰ق. / ۱۲۷۲ش. در عهد ناصرالدین شاه قاجار (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق.) از تیکان‌تپه (تکاب فعلی واقع در آذربایجان غربی) که از راه شمال ایران انجام

پذیرفته و اطلاعاتی از این مسیر، که از راه‌های مردمان کردستان و آذربایجان به عثمانی و نیز یکی از مسیرهای حج آنان بوده، به دست داده است.

اطلاعی از سال تولد و شرح حال و آثار سلیم خان تکابی، نویسنده سفرنامه، در دست نیست؛ جز آن که بنا بر متن سفرنامه، او کُرد و از خوانین سرشناس غرب آذربایجان و ساکن تیکان‌تپه و شخصی متمول بوده است. بنا بر برخی گزارش‌ها، او به سال ۱۳۲۶ق. در گذشته است.^۱ نثر سفرنامه و اشعار او در متن سفرنامه، نشان از فضل و طبع شعری او دارد. او در مسیر خود، به تبریز رفته و از مظفرالدین شاه قاجار که آن زمان ولیعهد ایران بوده، اجازه سفر گرفته و ولیعهد، همان‌جا بدو لقب خانی و درجه سرتیپی داده و سفارشنامه‌ای خطاب به سفیرکبیر ایران در استانبول برایش نوشته است. (ص ۲۸-۲۹)

در پایان، نسخه خطی سفرنامه که به دستور عبدالرحمن بیگ، برادر نویسنده، در ۱۳۲۶ق. کتابت گشته، از سلیم خان با صفت «مرحوم» یاد شده و از این می‌توان دریافت که او پیش از این سال، مرده است. سلیم خان بر مذهب شافعی بوده و از سفرنامه او اعتقاد و اهتمامش

۱. کتاب شناسی حج و زیارت، ص ۲۰۹.